

نظريه تاريخ

نويسنده

غلامرضا جورکش

مفهوم تاریخ

آر.جی کالینگ وود^۱ فقید از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۱ استاد کرسی فلسفه متافیزیکی وین فلیت در دانشگاه اکسفورد بود. چهار اثر او به نامهای: اصول هنر، نظریه تاریخ^۲، نظریه طبیعت^۳ و خود زندگینامه^۴ با جلد نازک منتشر شده است. انتشارات دانشگاه در ۱۹۸۹، "رساله‌هایی در فلسفه سیاسی"^۵ و در ۱۹۹۲ ویرایش بازنگری شده آخرین اثر منتشر شده در هنگام زنده بودن او، یعنی "لویاتان نو"^۶ را که با مطالب تازه‌ای برگرفته از دست نوشته‌های او همراه بود، منتشر کرد. هر دوی این آثار را دیوید بوچر^۷ ویرایش کرده و بر آنها درآمد نوشته است. یان وان در دوسن^۸ در بخش علوم انسانی دانشگاه آزاد هلند، استاد تاریخ و فلسفه است. از آثار پیشین او می‌توان از تاریخ به منزله علم، فلسفه آر.جی. کالینگ وود^۹ (مارتینوس نیهوف، ۱۹۸۱) یاد کرد.

1 - R.G. Colling wood

2 The Idea & History.

۳.The Idea & Nature.

4/An Autobiography.

5/Essays in political philosophy.

6/The New Leviathan.

7/David Baucher.

8/Jan Van der Dussen.

9/History as a Science: The philosophy & R.G.Colling wood.(Martinus Nijhoff,1981).

پیشگفتار

نظریه تاریخ بی‌گمان پرآوازه‌ترین کتاب کالینگ وود است. این اثر از همان آغاز انتشار در سال ۱۹۴۶، توجه بسیاری برانگیخت و هیچگاه از ایفای نقش حیاتی در بحث‌های بعدی درباره فلسفه تاریخ که از هنگام دومین جنگ جهانی، پیش کشیده می‌شد، باز نماند. حتی می‌توان گفت که پیدایش آن، در احیای علاقه به فلسفه تاریخ یعنی موضوعی که پیشتر معمولاً به فیلسوفان آلمانی سالهای پایانی سده، مانند دیلتان^{۱۰} و ویندل باند^{۱۱} و ریکرت^{۱۲} نسبت داده می‌شد، عاملی عمده بوده است. چاپ‌ها و ترجمه‌های مکرر "مفهوم تاریخ" نشانه دیگری از تأثیر دائمی آن است.

در این نسخه ویراسته نظریه تاریخ متن اصلی دست نخورده مانده است، اما مواد جدیدی از دست نوشته‌های منتشر نشده کالینگ وود را که به تازگی به آنها دسترسی پیدا کرده‌ایم به آن افزوده‌ایم. از این راه پژوهش در دیدگاههای کالینگ وود درباره فلسفه تاریخ در متن اثر اصلی او دو مورد این موضوع، امکان‌پذیر می‌شود.

تی. ام. ناکس^{۱۳} که شاگرد کالینگ وود بوده است، نسخه اصلی نظریه تاریخ را پس از مرگ استاد ویرایش کرده است و پیشگفتاری بر آن نوشته است که فلسفه تاریخ کالینگ وود را در متن گسترده‌تر دیدگاههای فلسفی او و شکل‌گیری آنها، جا داده است. اکا پژوهش‌های بعدی در فلسفه کالینگ وود، نارسایی‌های مهمی را در تفسیرهای ناکس در این پیشگفتار، آشکار کرده است. از این رو به درآمد تازه‌ای نیاز بود که پژوهش‌های بعدی درباره فلسفه تاریخ کالینگ وود را در بر بگیرد.

من در این درآمد جدید توضیح می‌دهم که چگونه کار انتشار نظریه تاریخ سامان گرفت و شیوه ویراستن ناکس را بررسی می‌کنم. پس از آن، چند و چون پذیرش این کتاب را به کوتاهی بیان می‌کنم. برای بررسی شایسته فلسفه تاریخ کالینگ وود، باید آن را در یک زمینه مناسب جا دارد، بنابراین باید چگونگی تکوین اندیشه‌های او درباره این موضوع را در نظر گرفت، به همین خاطر کوشیده‌ام، هیت دست نوشته‌های سالهای ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸ را که به تازگی به کتاب افزوده شده‌اند بررسی کنم.

10/Dilthey, Wilhelm(1833-1911). فیلسوف آلمانی

11/Windelband, Wilhelm (1849-1915) فیلسوف آلمانی

12/Rickert, Heinrich(1863-1936). فیلسوف آلمانی پیر ویندل باند و مکتب بادن

13/T.M. knox.

درآمدی تازه و تاحدی طولانی برای این نسخه ویراسته نظریه تاریخ به ویژه با توجه به شیوه پیچیده شکل‌گیری این کتاب، لازم بود. در این مورد باید مخصوصاً به یاد داشته باشیم که در این اثر در واقع ترکیبی از نظرات کالینگ وود درباره فلسفه تاریخ نوشته شده هر بخش از نسخه اصلی کتاب به فهرست مطالب افزوده شده است.

پیشگفتار ویراستار

۱- درآمد

تعیین منشا کتاب نظریه تاریخ که پس از مرگ کالینگ وود منتشر شد و موضوع پذیرش آن در سالهای بعد، به خودی خود، داستانی جالب است. اگر کالینگ وود می‌خواست کتابی دربارهٔ تکوین مفهوم تاریخ بنویسد و آن را "مفهوم تاریخ" بنامد و در این کار موفق می‌شد، آنچه به دست می‌آمد به صورت کتابی که تی.ام. ناکس گردآوری کرده است در نمی‌آمد. مرگ زودرس کالینگ وود در ژانویه ۱۹۴۳ به او فرصت نداد تا طرح کلان خود را که "مفهوم تاریخ" بخشی از آن می‌شد، به پایان برساند. او در نظر داشت پاره‌ای از کتاب‌های پیشین خود را به صورت چند جلد اثر برنامه‌ریزی شده، به هم ارتباط دهد. قرار بود این مجموعه در سه مقوله دسته‌بندی شود. رساله‌های فلسفی، اصول فلسفی و پژوهش‌هایی در تاریخ مفهوم‌ها. انتشارات دانشگاه اکسفورد با این پیشنهاد موافقت کرده بود و قرار بر این نهاده شده بود که کار انتشار سر بگیرد^{۱۴}. قرار بود رساله‌های فلسفی شامل رساله‌ای در روش فلسفی و رساله‌ای در متافیزیک باشد (که اولی در سال ۱۹۳۳ و دومی بعدها در ۱۹۴۰ منتشر شد). مقولهٔ دوم از مبانی هنر (منتشر شده در ۱۹۳۸) و مبانی تاریخ تشکیل می‌شد. در سال ۱۹۳۹ تنها یک سوم از کتاب مبانی تاریخ نوشته شده بود و در نتیجه هرگز به پایان نرسید. آخرین مقوله شامل نظریهٔ طبیعت و نظریه تاریخ می‌شد که پس از مرگ کالینگ وود با ویراستاری تی.ام. ناکس منتشر شدند. از میان سه کتاب آخر، تنها نظریه طبیعت به صورت پیش‌نویس در حال تکمیل شدن بود. ناکامی کالینگ وود در تکمیل طرح خود، دلیل دوگانه‌ای داشت: یکی وخیم شدن سلامت او و دیگری در گرفتن جنگ. او در مقام دشمن سازش‌ناپذیر فاشیسم و نازیسم،

۱۴/این قرار با مبادله نامه‌هایی میان انتشارات دانشگاه اکسفورد و کالینگ وود در تاریخ‌های هیجدهم و نوزدهم اکتبر ۱۹۳۹ گذاشته شد. کالینگ وود در نامه‌ای به تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۳۹ به دو مقولهٔ نخست اشاره کرده بود.

خود را موظف می‌دانست که از آنچه در جنگ به مخاطره افتاده بود تحلیلی بنیادی ارائه کند. به نظر او جنگ چیزی کمتر از برخورد بنیادین آرمان‌ها نبود. فاشیسم و نازیسم، طغیانی علیه تمدن تدارک می‌دیدند که می‌بایست به هر قیمت در برابر آن ایستاد. او اندیشه‌های خود را در لوپاتان نو^{۱۵} مطرح کرد. اما نوشتن این کتاب به منزله جدایی کامل از کار در رشته تاریخ نبود. چون این کتاب علاوه بر نکته‌های دیگر در تلاش آن است که یک نظریهٔ رسالتی تدوین کند که به تمدن و حذف تدریجی زور از روابط میان مردم ارتباط داشته باشد. بربریتی که فاشیسم و نازیسم مظهر آن بودند، تهدیدی برای این آرمان بود. به نظر کالینگ وود، تاریخ و وظیفه بالاترین سطوح خرد عملی بودند و هر دو با فرد عینی کار داشتند. لوپاتان نو آخرین کتاب کالینگ وود بود و در بدترین شرایط جسمی به پایان رسید. با توجه به سکنه‌های پی در پی که در سابلهای آخر زندگی، او را مدام ناتوانتر می‌کردند، تکمیل این کتاب کاری برجسته بود.

کالینگ وود پس از مرگ، دست نوشته‌های بسیاری بر جای نهاد که حجم آنها به حدود ۴۰۰۰ صفحه می‌رسید و به موضوع‌های بسیار متنوعی همچون دین، نقد ادبی، اخلاق، معرفت‌شناسی، متافیزیک، کیهان‌شناسی، جادو و فرهنگ مردم، سیاست، فلسفه، تاریخ، بریتانیای رومی و باستان‌شناسی می‌پرداخت. او در وصیت‌نامه خود انتشار این آثار را ممنوع کرد مگر آن که وارثانش با مشورت با انتشارات دانشگاه اکسفورد برای انتشار آنها پیشگام شوند. این دست نوشته‌ها که تا سال ۱۹۷۸ برای پژوهشگران ناشناخته مانده بود، از این تاریخ در کتابخانه بودلین^{۱۶} اکسفورد به امانت نهاده شد و برای مراجعه در دسترس قرار گرفت. اندکی پس از مرگ کالینگ وود از تی. ام. ناکس شاگرد پیشین او که یکی از فداکارترین دانشجویان بود دعوت شد تا از میان دست نوشته‌های سالهای آخر زندگی کالینگ وود بود و ناکس خود را به بخش‌هایی از آن محدود ساخت که خود نویسنده می‌خواست در نهایت آنها را در یک مجموعه منتشر کند. این بخش‌ها شامل نظریه طبیعت، نظریه تاریخ و مبانی تاریخ بود که بیشتر از آنها یاد کردیم.

کالینگ وود در ۱۹۴۳ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳۷ درس‌هایی در تاریخ نظریه‌های کیهان‌شناسی

۱۵. لوپاتان نام هیولایی است در اساطیر عبرانی و نیز نام کتابی است که ثامنس هابز اندیشه‌های خود را در آن بیان کرده است.

ارائه کرد. این درس‌ها که خود آن را "طبیعت و ذهن" می‌نامید بر پایه پژوهش‌های گسترده‌ای ارائه می‌شد که در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۴ در مورد کیهان‌شناسی صورت داده بود کالینگ وود در سال ۱۹۳۹، این درس‌ها را برای انتشار، بازنگری کرد که سرانجام در ۱۹۴۵ با عنوان "مفهوم طبیعت" به قول خود تی.ام. ناکس "با اندکی ویرایش" منتشر شد.

۲ - نظریه تاریخ: پیوست نامه (قسمت پنجم)

دو دست نوشته‌های باقیمانده که ناکس آنها را برای انتشار در نظر گرفت، درباره فلسفه تاریخ بودند. اولی مجموعه درس‌هایی با عنوان "درس‌هایی در فلسفه تاریخ" بود که کالینگ وود در دو نیمسال تحصیلی ۱۹۳۶ نوشته و تدریس کرده بود. این درس‌ها در سال ۱۹۴۰ به صورت بازنگری شده با عنوان نظریه تاریخ تکرار شدند و کالینگ وود قصد داشت آنها را به صورت کتابی با همین عنوان در آورد.

دومین دست نوشته یعنی مبانی تاریخ، ماهیت دیگری داشت و نظر کالینگ وود آن بود که این نوشته را به صورت کتابی جداگانه منتشر کند و عمدتاً هنگامی که روزهای بهبود یافتن خود را پس از یک سکته شدید در جزیره جاوه در هند شرقی هلند می‌گذراند بر روی آن کار کرد. در میان این دست نوشته‌ها، یادداشت‌هایی برای آماده کردن کتاب وجود دارد که در یکی از آنها چنین می‌خوانیم:

طرح برای یک کتاب. ۳۹/۲/۹ مبانی تاریخ عنوانهای اصلی عبارتند از:

(۱) برآورد ساده‌ای از بدیعی‌ترین ویژگی‌های تاریخ "در مقام یک علم خاص"

(۲) روابط میان این علم و دیگر علوم

(۳) رابطه تاریخ در مقام فکر با زندگی واقعی.

این‌ها را می‌توان به صورت کتابهای I و II و III در آورد.^{۱۷}

از میان این کتابها تنها اولی انتشار یافت. این کتاب چهار فصل دارد که به ترتیب با مفاهیم شواهد، رویدادها، باز تدوین^{۱۸} و تاریخ در مقام خودشناسی ذهن سر و کار دارد. معلوم نیست آیا کالینگ وود واقعاً فصل آخر کتاب اول را تمام کرده است یا نه، چون

17/Bodelian Library Colling Wood papers dep. 13, "Historiography XI-1938- 1938" P.20.

18/re - enactment.

آخرین باری که در یادداشتهای خود به آن اشاره می‌کند در تاریخ ۲۷ مارس است: «تلاش کردم فصل چهارم مبانی تاریخ را امروز صبح شروع کنم - ولی ذهنم یاری نکرد.» آن چه معلوم است این است که کالینگ وود برای طرح خود ارزش عظیمی قائل بود. او پس از بازگشت به انگلستان در نامه‌ای به اف. جی سیمپسن^{۱۹} نوشت که مبانی تاریخ «کتابی است که تمام عمر من صرف آمادگی برای نوشتن آن شده است. اگر بتوانم آن را تکمیل کنم، دیگر درباره هیچ چیز شکوه ندارم.» با آن که به همین دلیل‌ها، کتاب هرگز تکمیل نشد، نامه‌ای که کالینگ وود در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۳۹ به انتشارات دانشگاه اکسفورد نوشت نشان می‌دهد که او همچنان درصدد تکمیل آن بوده است.

دست نوشته مبانی تاریخ با یادداشتی همراه بود که در آن، کالینگ وود به همسرش چنین اختیار داده بود، اگر من از تکمیل کتاب باز ماندم «شما آن را با عنوان بالا منتشر کنید و در مقدمه‌ای توضیح دهید که این کتاب را بخشی است از آنچه من دست کم به مدت بیست و پنج سال می‌خواسته‌ام به عنوان شاهکار خود آن را بنویسم.» ناکس در نامه‌ای که در ۳۱ مارس ۱۹۴۵ به انتشارات دانشگاه اکسفورد نوشت، این یادداشت را نقل کرده ناکس پس از این یادداشت چنین ادامه می‌دهد: با وجود اجازه و حق انتشار، به نظر من انتشار مبانی تاریخ به صورت موجود خطا خواهد بود. این کتاب را به سه فصل تقسیم شده است. بخش‌های عمده‌ای از فصل‌های دوم و سوم پیشتر در خود زندگینامه و رساله‌ای در متافیزیک آمده است و من از این که بر واژه واژه یادداشتی که به احتمال بسیار قوی به هنگام بیماری فوق‌العاده دشوار آر. سی. کالینگ وود نوشته شده است پافشاری شود، خرسند نیستم.

ناکس در بیان این نکته که نخستین بخش مبانی تاریخ به سه فصل تقسیم شده است، اشتباه می‌کند، چون در واقع چهار فصل وجود داشت که خود او آخرین فصل آن را تا حدی ویرایش کرده بود.

دست نوشته مبانی تاریخ در حدود نود صفحه بود. ناکس فصل اول را که درباره شواهد و فصل چهارم را که درباره تاریخ در مقام خودشناسی ذهن بود، با عنوان «شواهد تاریخی» (صفحات ۲۸۲-۲۴۹، ۳۱-۴ اصول) و با عنوان «تاریخ و آزادی» (صفحات ۳۲۰-۳۱۵ و ۷۸-۷۶ و افزوده a ۷۷ و b اصول) در نظریه تاریخ جا داد. ناکس در مقدمه اصلی

خود بر نظریه تاریخ گزارش می‌دهد که قسمت III بخش ۸ (صفحات ۱۲۶-۱۲۲ درباره هگل و مارکس) از دست نوشته مبانی تاریخ را نیز در نظریه تاریخ جا داده است. این موضوع باور کردنی جلوه می‌کند چون این قسمت کم و بیش از آنجا که "تاریخ و آزادی" پایان می‌یابد آغاز می‌شود (یعنی صفحه ۳۲۰). در "تاریخ و آزادی" بحثی تکوین می‌یابد که در آن، مفهوم آزادی انسان ضرورتاً با مفهوم علم خودگردان تاریخ درهم آمیخته است، در حالی که در "هگل و مارکس" بحث می‌شود که هر دو فیلسوف در دستیابی بر علم خود گردان تاریخ ناکام مانده‌اند و همچنان روش‌هایی غیر تاریخی به کار برده‌اند.

اعتبار کاری که ناکس بر روی بخش‌های متن "اصول تاریخ" صورت داده است همچنان جای بحث دارد. ولی باید اشاره کرد که کالینگ وود در طرح خود برای "اصول تاریخ" موضوع فصل چهارم را چنین متمایز می‌کند: "تاریخ در مقام خودشناسی ذهن" کنار نهادن دیگر علوم ذهن". در حالی که ناکس بخشی از آن را با عنوان "تاریخ و آزادی" به چاپ رسانده است. این بخش با این گزاره آغاز می‌شود که: "ادعای من آن است که ما بدان خاطر تاریخ می‌خوانیم که به خودشناسی دست پیدا کنیم". کالینگ وود در پیگیری این نکته می‌افزاید که با نشان دادن این امر که "ما چگونه دانش خود را درباره آزادی فعالیت انسان تنها از راه کشف تاریخ به دست می‌آوریم" می‌توان نظریه بالا را روشن کرد (ص ۳۱۵). این امر نشان می‌دهد که ناکس احتمالاً سر آغاز فصل چهارم "اصول تاریخ" را که به موضوع محض تاریخ به عنوان خود شناسی ذهن می‌پردازد از قلم انداخته است و خود را تنها به استدلال خود کالینگ وود محدود ساخته است. مشخص است که عبارت "در طرح تاریخی من برای اندیشه تاریخ" (ص ۳۱۵) را خود ناکس افزوده است، چون نظر کالینگ وود این نبوده است که موضوع طرح را به "اصول تاریخ" اختصاص دهد.

این موضوع مسأله شیوه ویراستاری نظریه تاریخ به دست ناکس و به ویژه تغییراتی را که او در این کتاب صورت داده است، پیش می‌کشد. ان چه بی‌گمان می‌توان تعیین کرد این است که خواست کالینگ وود اصل آن بوده است که نظریه تاریخ و مبانی تاریخ را به صورت دو کتاب جداگانه منتشر کند. بی توجهی ناکس به سفارش کالینگ وود برای انتشار نظریه تاریخ سبب درهم آمیزی موضوع رشته‌های دو کتاب در یک جلد با عنوان مبانی تاریخ شد که در آن هم بخش‌هایی از مبانی تاریخ گنجانده شد و هم، دو مقاله که کالینگ وود پیشتر منتشر کرده بود (طبیعت انسان و تاریخ انسان" صص ۳۱-۲۰۵

و "تخیل تاریخی" صص ۴۹-۲۳۱) ۲۰.

ناکس بخش‌هایی از "اصول تاریخ" و مقاله‌های چاپ شده کالینگ وود را با عنوان "پیوست نامه" به عنوان بخش پنجم "مفهوم تاریخ" درهم آمیخت و سه فصل از بخش دوم سخنرانی‌های او درباره فلسفه تاریخ را هم به آنها افزود که برای آنها عنوان زیر انتخاب شد.

"پیوست نامه متافیزیکی: تاریخ در مقام بازنمایی تجربه گذشته (صص ۳۰۲-۲) "موضوع تاریخ" (صص ۱۵-۳۰۲) و "پیشرفت حاصل از تاریخی اندیشیدن (صص ۳۴-۳۲۱). البته باید خاطر نشان کرد که کالینگ وود در پیوست نامه متافیزیکی "برای فصل‌های اول و دوم و سوم عنوان‌های دیگری را در نظر گرفته بود: "باز نمایی تجربه گذشته به مثابه گوهر تاریخ" و "پیشرفت".

این نیز مشخص است که ناکس فصل‌های دوم و سوم "اصول تاریخ" را حذف کرده است. کالینگ وود در طرح خود برای این کتاب، فصل دوم را به صورت زیر بیان می‌کند: "بیان و توضیح مفهوم فعالیت (res gestae)^{۲۱} و تضاد آن با مفهوم "فرایند" یا "دگرگونی" و شبه تاریخی که از آن برداشت می‌شود." فصل سوم هم به صورت زیر بیان می‌شود: "مفهوم "باز نمایی" و تضاد گذشته مرده و "کمال". اینک که به گذشته می‌نگریم می‌بینیم که چاپ نشدن این فصل‌ها مایه اندوه است و از آن اندوه‌بارتر آن که این بخش از دست نوشته "اصول تاریخ" و دست نوشته‌های اصلی که "مفهوم تاریخ" بر پایه آنها بنیاد شده بود، گم شده است. به احتمال بسیار، انتشارات دانشگاه اکسفرود طبق روال معمول، پس از چاپ، دست نوشته‌ها را نابود کرده است و به این امر توجه نداشته است که در این مورد ویژه تنها بخشی از دست‌نوشته‌ها منتشر شده است.

دیدیم که ناکس در توجیه حذف فصل‌های دوم و سوم "اصول تاریخ" استدلال می‌کرد که به نظر او "بسیاری" از مطالب آنها پیشتر در "خود زندگینامه" و "رساله در متافیزیک"^{۲۲}

۲۰. "طبیعت انسان و تاریخ انسان" به صورت جداگانه منتشر شد (لندن ۱۹۳۶) و در "مراودات فرهنگستان بریتانیا" (۱۹۳۷) بار دیگر به چاپ رسید (صص ۹۷-۱۲۷) "تخیل تاریخی" سخنرانی انتصاب کالینگ وود به سمت استادی فلسفه متافیزیکی در ۲۸ اکتبر ۱۹۳۵ بود.

۲۱. واقعیتها و شرایطی که به رفتار یا عمل مورد نظر می‌انجامند.

۲۲. ناکس در صفحه VI پیشگفتار "مفهوم تاریخ" به دلیل دیگری هم اشاره می‌کند. او با وجود آن که از کالینگ وود برای دردست داشتن دست نوشته "اصول تاریخ" مجوز داشته است می‌گوید: "من توجیهی برای چاپ بیش

خوانده شده است. در مورد "رساله" به ویژه این نکته به سختی می‌تواند خرسند کننده باشد چون در آن درباره مفاهیم فعالیت و بازنمایی بحث نشده است. و جدا از همه اینها بهتر آن است که آدم علاوه بر چند صفحه در "خود زندیگینامه" به بیش از چهل صفحه‌ای که کالینگ وود در این باره نوشته است دسترسی داشته باشد.

با جمع‌بندی آنچه تا اینجا درباره شیوه کار ناکس در گردآوری "مفهوم تاریخ" گفته‌ایم، نخستین نکته‌ای که باید خاطر نشان شود این است که ناکس بخش دوم درس‌های کالینگ وود درباره فلسفه تاریخ در ۱۹۳۶ (یعنی "پیوست‌نامه متافیزیکی") را به صورت قابل ملاحظه‌ای گسترش داده و به صورت پیوست‌نامه جداگانه‌ای در آورده است (صص ۳۳۴-۲۰۵). اما از همه مهمتر، خاطر نشان کردن این نکته است که این پیوست‌نامه‌ها در برگیرنده عناصری هستند که هم از لحاظ تاریخ نگارش (از ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹) و هم از لحاظ ویژگیها، با هم اختلاف بسیار دارند. به ویژه بر ویژگیها و زمینه‌های متفاوت چندین رساله می‌توان تأکید ورزید: این رساله‌ها مجموعه درس‌ها و رساله‌های منتشر شده و پیش نویس نخست کتابی است که هرگز به پایان نرسید.

ترکیب پیوست‌نامه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

بخش ۱) ماهیت و تاریخ انسان: منتشر شده در ۱۹۳۶

بخش ۲) تخیل تاریخی: منتشر شده در ۱۹۳۵

بخش ۳) شواهد تاریخی: نخستین فصل از اصول تاریخ، نوشته شده در ۱۹۳۹

بخش ۴) تاریخ به منزله بازنمایی تجربه گذشته: درس‌های ۱۹۳۶

بخش ۵) موضوع تاریخ: درس‌های سال ۱۹۳۶

بخش ۶) تاریخ و آزادی: بخشی از فصل چهارم اصول تاریخ، نوشته شده در ۱۹۳۹

بخش ۷) پیشرفت در اثر اندیشه تاریخی، درس‌های سال ۱۹۳۶

سه چکیده که با عنوان‌های III، بخش ۸ و "قسمت ۷ از بخش‌های ۳ و ۶ آشکار شد، نمی‌دیدم و تازه "قسمت همین مقدار را هم با دودلی نگه داشتم. این بخش‌ها به شیوه کارهای بعدی کالینگ وود نوشته شده‌اند و سبک و سیاق آنها گاهی با دیگر بخش‌های کتاب ناهمخوان است ولی ذکر آنها به خاطر آن صورت گرفت که جمع‌بند نظرات او درباره تاریخ و توضیح کامل‌ترین برای نکاتی باشد که در آثار پیشین تنها اشاره‌ای به آنها شده است."